

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۲۴ دولت سرش شلوغ است

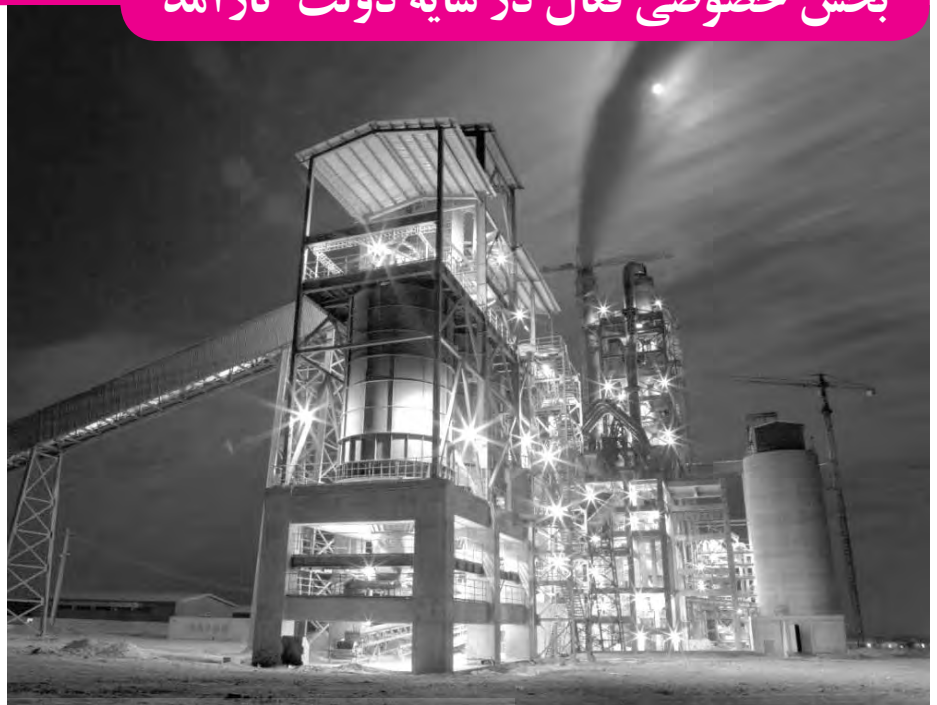
۲۵ چرا اخراج؟!

۲۶ "تحصیل‌کردگان سهام‌دار نقش آفرینی کنند"

۲۷ شایسته‌سالاری کارآفرینان را دریابیم!

۲۸ گاماس گاماس!

۲۹ "مشکلات، فراپورسی هستند"

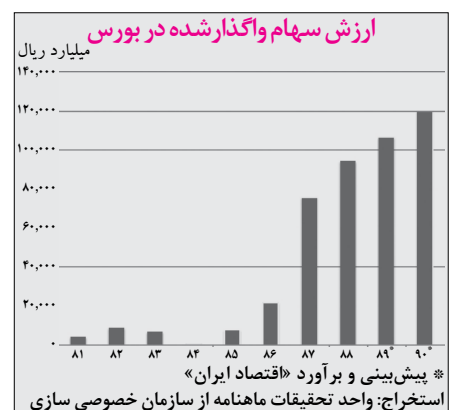


نگاهی ریشه‌ای به خصوصی سازی

## آزاد و بهره‌ور!

تجارب و مطالعات متعدد نشان می‌دهند که خصوصی سازی واقعی بهره‌وری نیروی کار و سرمایه را افزایش و رفاه مردم را ارتقا می‌دهد.

واگذاری بخش کم بازده دولتی به بخش پُرتوان خصوصی از مهمترین راهکارهایی است که راه را برای توسعه اقتصادی یک کشور می‌گشاید. عموم کشورهای توسعه یافته دنیا، تنها با بهره‌مندی از بخش خصوصی خود توانسته‌اند اقتصادشان را در بازارهای جهانی شکوفا کنند. خصوصی سازی از آن منظر مهم است که با ارکان و شاخصه‌های مهم کلان تأثیرگذار بر رشد اقتصادی به طور مستقیم در ارتباط بوده و آنها را بهبود می‌بخشد. با واگذاری زمام امور به بخش خصوصی، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه توأمان افزایش خواهد یافت و در صورتی که این واگذاری‌ها از طریق فروش سهام به کارمندان شرکت تحت واگذاری صورت پذیرند، به دلیل افزایش انگیزه نیروی کار، به افزایش



را کاهش می‌دهد و در نتیجه شاهد مهار نسبی یکی از روش‌های تورم‌زا در کشور خواهیم بود. به موازات آن، قدرت خرید خانوار در سطحی معتدل حفظ می‌شود و در نتیجه رفاه اجتماعی افزایش خواهد یافت. مسأله دیگری که به دنبال خصوصی سازی اتفاق می‌افتد و باید مورد بررسی قرار گیرد، موضوع آزاد سازی قیمت‌ها است. آزاد سازی قیمت‌ها که از مهمترین راه‌های اتصال به شبکه رقابت جهانی است، از آن جهت اهمیت دارد که با واسطیاری شرکت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی، دیگر شاهد قیمت‌های غیرواقعی "یارانه‌ای" در اقتصاد نخواهیم بود و این مسأله علاوه بر آن که کمک شایانی به ورود ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO) می‌کند، ناخودآگاه الگوی ناصحیح مصرف را به دلیل واقعی بودن قیمت‌ها تا حدودی اصلاح می‌نماید.

مضاف بر این مطلب، از آنجا که خصوصی سازی و توسعه بازار سرمایه ارتباط نزدیک و همسویی با یکدیگر دارند، دیگر تأثیر مثبت خصوصی سازی را می‌توان در توسعه بازار سرمایه برشمرد. مثالی از دنیای واقعیت می‌تواند بهترین گواه بر این مطلب باشد. بر اساس گزارش واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، ارزش معاملات سهام در بورس تهران در سال ۸۴ رقمی معادل ۵۶ هزار و ۵۲۹ میلیارد ریال بوده که اعمال خصوصی سازی و واگذاری سهام از طریق بورس به بخش خصوصی، رشدی فزاینده را در ارزش معاملات سهام پدید آورد، به طوری که بر اساس برآورد کارشناسان ماهنامه، این رقم در پایان سال قبل معادل ۱۸۴ هزار و ۱۶۶ میلیارد ریال بوده و پیش‌بینی می‌شود رقم مذکور با رشدی ۲۷/۵۱ درصدی به ۲۳۴ هزار و ۸۳۸ میلیارد ریال در پایان سال جاری برسد.

بهره‌وری در تولید می‌انجامد. این بهره‌وری، کارآمدی، پویایی و در نتیجه سطوح درآمدزایی شرکت را افزایش می‌دهد. به دنبال این مطلب و با دیدی کلان، سطح تقاضا رشد خواهد کرد که به تبع آن، شاهد رونق اقتصادی و در نتیجه افزایش اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصاد و صنعت خواهیم بود. در این بین، علیرغم بسیاری از انتقادهای صورت گرفته در خصوص کم و کاستی واگذاری‌های سال‌های اخیر، پیدایش این تفکر که باید بخش خصوصی را در بازی اقتصاد دخیل کرد، جای امیدواری دارد. نکته مهم دیگر خصوصی سازی، به کاهش حجم فعالیت‌های دولت در عرصه اقتصاد برمی‌گردد. این مسأله از آن جهت اهمیت دارد که دولت می‌تواند زمان آزاد شده در اثر واگذاری فعالیت‌های اقتصادی را به ترمیم نواقص مربوط به زیرساخت‌های اقتصادی معطوف کند.

### دولت چابک یا دولت چاق؟

اثرات مثبت حاصل از این اقدام به همین جا ختم نمی‌شود، چرا که به دلیل واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، کلیه مخارج شرکت‌های مزبور از دوش دولت برداشته می‌شود و در نتیجه دولت با کسری بودجه کمتری مواجه می‌گردد. این کاهش کسری بودجه - از آنجا که همواره دولت‌های ایران جهت جبران کسری بودجه خود از چاپ پول بی‌پشتوانه استفاده می‌کنند - چاپ پول

## اصل ۴۴ و سند ۲۰ ساله در اضطرابند

یکی دیگر از مواردی که باید در خصوص بحث واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی بدان اشاره نمود، مسأله اضمحلال منابع کار و سرمایه است. این مطلب از آنجا نشأت می‌گیرد که شرکت‌های دولتی انگیزه‌ای برای کاهش هزینه و حداکثر سازی سود خود ندارند، در نتیجه دلیلی هم وجود ندارد که از منابع موجود - اعم از نیروی کار و سرمایه - به نحو احسن بهره برده و آنها را در راستای تکامل توسعه به کار گیرند. با واگذاری بخش دولتی به شرکت‌های خصوصی و ارزیابی‌هایی که بخش خصوصی در رابطه با مخارج خود انجام می‌دهد، حتی یک ریال خرج اضافه هم در طرف هزینه بخش خصوصی منعکس نخواهد شد و این مسأله در بکارگیری اقتصادی نیروی کار و سرمایه تأثیر فراوانی خواهد داشت.

در کنار مطالب فوق، مسأله‌ای که اقتصاد کشور را طی سال‌های گذشته به شدت تحت تأثیر قرار داده، موضوع عدم شفافیت در فضای اقتصادی است. در این خصوص، اگر چه اقتصاد ایران با آن فضای شفاف اطلاعاتی که بازار رقابتی از آن بهره‌مند است، فاصله زیادی دارد، اما افزایش پذیرش شرکت‌های مشمول واگذاری اصل ۴۴ در بازار سرمایه - که برای این منظور، باید برخی الزام‌ها را که سبب افزایش شفافیت اطلاعاتی می‌شود رعایت کنند - راه را برای گسترش فضای شفاف اطلاعاتی باز کرده است. این مسأله از آنجا که منجر به افزایش پاسخگویی مدیران و شرکت‌ها در قبال عملکرد خود به سهام‌داران می‌شود، کارایی و درجه رو به رشد کشور را از منظر فضای رقابتی افزایش می‌دهد که نتایج آن، نه تنها در بلند مدت که حتی در میان مدت هم به نفع اقتصاد خواهد بود. ■

## مقدمات و مؤخرات خصوصی سازی در ایران

## دولت سرش شلوغ است

## باید یاد بگیریم که خصوصی سازی یک ابزار است؛ ابزاری برای توسعه بیشتر، نه یک هدف غایی!

رشد فزاینده دولت در سال‌های پس از انقلاب که از هیچ مقیاس و اندازه علمی تبعیت نکرده است، اقتصاد کشور را به بیماری لاعلاج و صعب "انحصار در همه چیز" مبتلا کرده است. سر و سامان دادن به اوضاع آموزش و پرورش، رتق و فتق فضای کسب و کار و رسیدگی به عمران و توسعه شهری و کشوری، آن قدر سر دولت را طی ۳۱ سال گذشته



سیاست‌گذاری در همه عرصه‌ها است. خوشبختانه، به دلیل تأکید اقتصاددانان در خصوص واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی، دو دهه است که احساس می‌شود تفکر اعتماد به بخش خصوصی در کشور شکل گرفته است. اما تا منزل مقصود فاصله‌ها بسیار است.

جدای از آن که این اقدام، گامی مؤثر در راستای توسعه بخش خصوصی به شمار

می‌رود، به این دلیل که اهدافمان را متناسب با استانداردها تدوین نکرده‌ایم، هنوز به اهداف متعالی اقتصاد کشور دست نیافته‌ایم. این ناکارآمدی از آنجا نشأت می‌گیرد که مسئولان و دولتمردان، پدیده خصوصی سازی را به عنوان هدف غایی دستیابی به رشد و توسعه برشمرده‌اند، در حالی که خصوصی سازی تنها ابزاری است که راه توسعه را از منظر ارتقای کارایی و بهره‌وری تسهیل می‌نماید. در حال حاضر، علیرغم فعالیت گسترده سازمان خصوصی سازی جهت واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، شاهد بخش خصوصی پُر قدرتی در جامعه نیستیم که البته این امر دلایل متنوعی دارد که بخش عمده آن به برداشت

شلوغ کرده که باید گفت حتی با رسیدن به برخی موفقیت‌ها در بعضی از شاخص‌ها، کشورمان در بسیاری از فعالیت‌ها نسبت به کشورهای رقیب پسرفت کرده است.

دلیل این نابسامانی، بدون شک به عاملیت دولت در بازار بازمی‌گردد. نکته آن که این تفکر نادرست هنوز پس از گذشت ۳ دهه از ذهن دولتمردان ما پاک نشده است. در دنیای امروز که دولت‌های بر سر کار تمام کشورهای پیشرفته و نوظهور، خود را از عاملیت بازار کنار کشیده‌اند و تنها ناظر سازوکار و عملکرد بازار هستند، دولت‌ها در ایران، بازیگر اصلی اقتصاد به شمار می‌روند. شاهد این ادعا تنظیم دستوری انواع نرخ‌ها و قیمت‌ها در بازارهای مختلف و

نادرست از بخش خصوصی برمی‌گردد.

## حکایت رقابت در بازار

بخش خصوصی در کشور ما به عنوان رقیب دولت و حتی در برخی جاها به عنوان تهدیدی برای بخش دولتی محسوب می‌شود و این نگرش منجر به حساب و کتاب‌های "سوداگرایانه" دولت در فرآیند خصوصی سازی و ملاحظه کاری‌های خاصی در این زمینه می‌شود. البته عدم ریسک‌پذیری بخش خصوصی خود مسأله دیگری است که سبب شده شاهد گسترش بخش خصوصی واقعی در کشور نباشیم. مضاف بر این، نباید از این مسأله هم غافل شد که فرآیند خصوصی سازی و دستیابی به بخش خصوصی مقتدر نیازمند پروسه‌ای بلند مدت است و یک شبه نمی‌توان چنین حجمی از اقتصاد دولتی را خصوصی کرد. نمونه‌ای از این مسأله را می‌توان در کشور فرانسه مشاهده نمود که علیرغم شروع خصوصی سازی در دهه ۹۰ میلادی، هنوز پس از گذشت ۲۰ سال در حال واگذاری بخش دولتی به خصوصی می‌باشد. بر اساس گزارش سازمان خصوصی سازی، از ابتدای سال ۸۴ تاکنون، جمع ارزش واگذاری‌ها به بخش خصوصی بیش از ۶۷۷ هزار میلیارد ریال بوده که چنین حجم واگذاری، جدا از روند کیفی آن امری تحسین برانگیز است. اما یکی از مسائلی که سبب شده انتقاداتی به کیفیت خصوصی سازی در کشور ما صورت بگیرد، عدم بهره‌مندی از بخش خصوصی در مسایل اجرایی مربوط به این بخش است.

بدون شک بخش خصوصی، تنها در حالتی رشد و نمو پیدا می‌کند که خود به یک تصمیم‌گیرنده تبدیل شود، اما تا زمانی که دولت چم و خم امور را در دست خود داشته باشد، خصوصی سازی به اهداف متعالی خود نایل نمی‌شود. برای بیان بهتر این مطلب، مناسب است که از استانداردهای بین‌المللی کمک بگیریم. در عموم تعاریف جهانی سه روش برای خصوصی سازی بیان شده است. اولین مورد در خصوص فروش سهام در بورس یا همان بازار سرمایه است. دومین روش، انتقال مالکیت بنگاه دولتی به بخش خصوصی است و راه سوم به توزیع سهام بین شهروندان برمی‌گردد که در تعابیر اقتصادی از آن تحت عنوان "خصوصی سازی کوپنی" (Voucher Privatization) یاد می‌شود. با نگاهی به این روش‌ها مشاهده می‌کنیم که هر سه روش مذکور در کشورمان در حال پیاده‌سازی هستند، اما چرا بخش خصوصی در ایران هنوز رنگ و بوی فعالیت آزاد را به خود نگرفته است؟ پاسخ این مطلب، مجدداً به همان عاملیت دولت برمی‌گردد. علاوه بر این، همواره واگذاری‌ها با یک قیمت بالا عرضه می‌شوند و این عرضه‌ها با قیمت‌های بالا پای شبه دولتی‌ها را به بازار باز می‌کند و در نتیجه سهام عرضه شده را از آن خود می‌نمایند که با این رویکرد، عملاً تغییری در ساختار خصوصی و دولتی کشور صورت نمی‌گیرد. در مورد واگذاری مالکیت هم، به دلیل همان